

أقوال علماء السنة:

سخنان علمای اهل سنت :

كثير من فقهاء السنة ومفسريهم وافقوا الاعتقاد اليهودي والمسيحي فيما يخص خلق حواء وذرية آدم، فعندهم حواء زوجة آدم (عليه السلام) خلقت من ضلعه وأبناء آدم تزوجوا بناته، وهكذا فقد جعلوا آدم ينكح بعضه والأنبياء والأوصياء وذرية آدم نتاج زنا محارم، وهذا نموذج من فتاواهم وأقوالهم:

بسیاری از فقها و مفسران اهل سنت، در مورد چگونگی خلقت حوا و نسل آدم، با یهودی‌ها و مسیحیان هم‌عقیده هستند. به اعتقاد آنها حوا همسر آدم (عليه السلام) از دنده او آفریده شده و فرزندان آدم با دختران وی ازدواج کرده‌اند. به این ترتیب از نگاه این عده، آدم با قسمتی از خودش ازدواج کرده است و پیامبران و اوصیا و نسل آدم نتیجه زنا با محارم می‌باشند. این، نمونه‌ای از فتواها و گفته‌های ایشان است:

«المرأة خلقت من ضلع أعوج:

«زن از دنده‌ای کج، خلق شده است:

س: يقول المصطفى صلى الله عليه وسلم: استوصوا بالنساء خيرا فإن المرأة خلقت من ضلع، متفق عليه.

پرسش: حضرت محمد صلى الله عليه وسلم می‌فرماید: با زنان به نیکی رفتار کنید زیرا زن از دنده کج، خلق شده است و در این مورد اتفاق نظر وجود دارد.

يقول الشيخ: شعيب الأرنؤوط في تحقيقه وتعليقه على كتاب (رياض الصالحين) للإمام النووي تحت هذا الحديث، معلقا على هذا الحديث بقوله: الكلام هنا على التمثيل والتشبيه كما هو مصرح به في الرواية الثانية: المرأة كالضلع، لا أن المرأة خلقت من ضلع آدم كما توهمه بعضهم، وليس في السنة الصحيحة شيء من ذلك.

شيخ می‌گوید: "شعيب أرنؤوط" در تحقیق و تعلیق که بر کتاب (رياض الصالحين) به قلم امام نووی ذیل این روایت داشته، در مورد این حدیث چنین تعلیق زده است: این سخن از باب تمثیل است و تشبیه، چنانچه در روایت دیگری تصریح شده که "المرأة كالضلع" (زن مانند دنده است) نه از این جهت که حوا از دنده آدم خلقت یافته آن گونه که برخی متوهم شده‌اند، و در سنت صحیح چیزی در این خصوص نیست.

فضيلة الشيخ: هذا ما قاله الشيخ الأرنؤوط بالحرف الواحد، مع أن المصطفى صلى الله عليه وسلم يقول بالحرف الواحد وبكل وضوح: إن المرأة خلقت من ضلع ومصدق هذا-أظن-في قوله تعالى: {الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا} [سورة النساء

الآية 1] وفي قوله تعالى: {هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا} [سورة الأعراف الآية 189] وفي قوله: {وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا} [سورة الروم الآية 21] وفي قوله: {وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا} [سورة النحل الآية 72] وقد قال أهل التفسير: يعنى: النساء، فإن حواء خلقت من ضلع آدم عليه السلام.

جناب شیخ! این، عین سخن شیخ ارنائووط است؛ در حالی که حضرت محمد صلی الله علیه وسلم نیز با کمال وضوح و در یک کلام فرموده است: زن از دنده آفریده شده و مصداق آن - به گمانم - این سخن خداوند متعال است که: ﴿که آفریدتان از یک تن و آفرید از او جفتش را﴾ [النساء: ۱] و نیز ﴿او است آنکه آفرید شما را از یک تن و قرار داد از او جفتش را﴾ [الأعراف: ۱۸۹] و همچنین: ﴿و از آیت‌های او آن است که آفرید برای شما از خودتان جفت‌هایی تا بیارامید بدانان﴾ [الروم: ۲۱] و نیز: ﴿و خدا قرار داد برای شما از خود شما جفت‌هایی﴾ [النحل: ۷۲] و مفسران گفته‌اند: منظور، زنان هستند؛ و حوا از دنده آدم علیه السلام خلق شده است.

فضيلة الشيخ: هل ما قاله الشيخ الأرنؤوط صحيح أم خطأ؟ وما توجيهكم للحديث الذي احتج به: المرأة كالضلع، إن أقمتها كسرتها، وإن استمتعت بها استمتعت وفيها عوج؟ أجيبونا مأجورين.

جناب شیخ! آیا این سخنان شیخ ارنائووط درست است یا خیر؟ نظر شما درباره حدیثی که به آن احتجاج نموده است: که زن مانند استخوان دنده است؛ اگر بخواهی راستش کنی خواهد شکست، و اگر از آن بهره گیری با وجود کجی‌اش بهره توانی گرفت، چیست؟ به ما پاسخ دهید، مأجور باشید.

ج1: ظاهر الحديث أن المرأة- والمراد بها حواء- عليها السلام- خلقت من ضلع آدم وهذا لا يخالف الحديث الآخر الذي فيه تشبيهه المرأة بالضلع، بل يستفاد من هذا نكته التشبيهية، وأنها عوجاء مثله، لكون أصلها منه. والمعنى: أن المرأة خلقت من ضلع أعوج، فلا ينكر اعوجاجها، فإن أراد الزوج إقامتها على الجادة وعدم اعوجاجها أدى إلى الشقاق والفرق وهو كسرهما، وإن صبر على سوء حالها وضعف عقلها ونحو ذلك من عوجها دام الأمر واستمرت العشرة، كما أوضح ذلك شراح الحديث، ومنهم الحافظ ابن حجر في (الفتح) (6/ 368) رحم الله الجميع. وبهذا يتبين أن إنكار خلق حواء من ضلع آدم غير صحيح. وبالله التوفيق، وصلى الله على نبينا مُحَمَّدٍ وآله وصحبه وسلم.

اللجنة الدائمة للبحوث العلمية والإفتاء
الرئيس: عبدالعزيز بن عبدالله بن باز
نائب الرئيس: عبدالعزيز ال الشيخ
عضو: عبدالله بن غديان
عضو: صالح الفوزان
عضو: بكر أبو زيد»(١).

(١). كتاب فتاوى اللجنة الدائمة للبحوث العلمية والافتاء. الرئيس ابن باز. الفتوى رقم (20053).

پاسخ ١ : ظاهر روایت این است که زن -منظور حوا علیها السلام است- از دنده آدم خلق شده و این، با روایت دیگری که زن را به دنده تشبیه کرده است، منافاتی ندارد؛ بلکه از این نکته تشبیه استفاده می‌شود، و اینکه زن مانند دنده، کج است زیرا اصل و منشأ او، از آن است. مراد این است که زن از دنده کج خلق شده و نمی‌توان کجی‌اش را منکر شد. اگر شوهر بخواهد او را بر مسیر قرار دهد و کجی‌اش را برطرف سازد، به اختلاف و جدایی که همان شکستش است منجر می‌شود، و اگر بر بد خلقی‌اش و

کمی خردش و دیگر کجی‌هایش صبوری ورزد، امرش ادامه می‌یابد و زندگی‌اش استمرار پیدا می‌کند. این مطلب را شارحین (مفسران) حدیث بیان کرده‌اند؛ که از جمله آنها حافظ بن حجر در کتاب «الفتح» (۶ / ۳۶۸) می‌باشد. خدا همگی را بیامرزد. بر این اساس روشن می‌شود که انکار آفرینش حوا از دنده آدم، صحیح نیست. و بالله التوفیق ، و صلی الله علی نبینا محمد و آله و صحبه و سلم.

هیئت دائمی پژوهش‌های علمی و افتاء
مدیر: عبدالعزیز بن عبدالله بن باز
نایب رئیس: عبدالعزیز آل شیخ
عضو: عبدالله بن غدیان
عضو: صالح الفوزان
عضو: بکر ابوزید»(۱).

(۱). کتاب فتاوی مجمع تحقیقات علمی و افتاء، رئیس: بن باز، فتاوی شماره ۲۰۰۵۳.

وفي زواج الاخوة والأخوات (زنا المحارم) قال ابن كثير في تفسيره:

ابن كثير در تفسير خود در مورد ازدواج خواهر و برادر (زنا با محارم) می‌گوید:

«وكان من خبرهما فيما ذكره غير واحد من السلف والخلف، أن الله تعالى كان قد شرع لآدم، عليه السلام، أن يزوج بناته من بنيه لضرورة الحال، ولكن قالوا: كان يُؤلَد له في كل بطن ذكر وأنثى، فكان يزوج أنثى هذا البطن لذكر البطن الآخر، وكانت أخت هابيل دَمِيمَةً، وأخت قابيل وضيئةً، فأراد أن يستأثر بها على أخيه، فأبى

أَدَمَ ذَلِكَ إِلَّا أَنْ يُقْرَبَا قَرِيبَانًا، فَمَنْ تَقَبَّلَ مِنْهُ فَهِيَ لَهُ، فَقَرِيبَا فَتَقَبَّلَ مِنْ هَابِيلَ وَلَمْ يَتَقَبَّلَ مِنْ قَابِيلَ، فَكَانَ مِنْ أَمْرِهِمَا مَا قَصَّ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ.

«در مورد آنچه ذکر شده است، اخباری که از علمای سلف و خلف رسیده یکسان نیست، خداوند متعال به دلیل ضرورت حال به آدم، علیه السلام، اجازه داده بود که دخترانش را به ازدواج پسرانش در آورد، اما گفتند: در هر بارداری صاحب دوقلوی پسر و دختر می‌شد، و او دختر این بارداری را با پسری که از بارداری دیگری متولد می‌شد ازدواج می‌داد، و خواهر قابیل بسیار زیبا بود ولی خواهر هابیل زیبا نبود، قابیل خواست که خواهرش را به زور از برادرش بگیرد و با خواهر زیبای خود که سهم هابیل بوده، ازدواج کند، و آدم نپذیرفت مگر قربانی تقدیم کنند، و قربانی هر کدام که قبول شد، آن دختر سهم او است. قربانی تقدیم کردند و قربانی هابیل پذیرفته شد اما از قابیل پذیرفته نشد، و این همان ماجرای آنها است که خداوند در کتابش بیان کرده است.

ذکر أقوال المفسرين هاهنا:

سخنان مفسران در این خصوص:

قال السُّدِّي - فيما ذكر- عن أبي مالك، وعن أبي صالح، عن ابن عباس -وعن مرة، عن ابن مسعود- وعن ناس من أصحاب النبي صلى الله عليه وسلم؛ أنه كان لا يولد لآدم مولود إلا ولد معه جارية، فكان يزوج غلام هذا البطن جارية هذا البطن الآخر، ويزوج جارية هذا البطن غلام هذا البطن الآخر، حتى ولد له ابنان يقال

لهما: قابيل وهابيل وكان قابيل صاحب زرع، وكان هابيل صاحب
ضرع، وكان قابيل أكبرهما، وكان له أخت أحسن من أخت هابيل،
وإن هابيل طلب أن ينكح أخت قابيل، فأبى عليه وقال: هي أختي،
ولدت معي، وهي أحسن من أختك، وأنا أحق أن أتزوج بها. فأمره
أبوه أن يزوجه هابيل، فأبى، وأنهما قربا قربانا إلى الله عز وجل
أيهما أحق بالجارية، وكان آدم، عليه السلام، قد غاب عنهما، أتى
مكة ينظر إليها، قال الله عز وجل: هل تعلم أن لي بيتا في الأرض؟
قال: اللهم لا قال: إن لي بيتا في مكة فآته. فقال آدم للسماء:
احفظي ولدي بالأمانة، فأبت. وقال للأرض، فأبت. وقال للجبال،
فأبت. فقال لقابيل، فقال: نعم، تذهب وترجع وتجد أهلك كما يسرك
فلما انطلق آدم قربا قربانا، وكان قابيل يفخر عليه، فقال: أنا أحق
بها منك، هي أختي، وأنا أكبر منك، وأنا وصي والدي. فلما قربا،
قرب هابيل جذعة سمنة، وقرب قابيل حزمة سنبل، فوجد فيها
سنبله عظيمة، ففركها فأكلها. فنزلت النار فأكلت قربان هابيل،
وتركت قربان قابيل، فغضب وقال: لأقتلنك حتى لا تنكح أختي.
فقال هابيل: إنما يتقبل الله من المتقين. رواه ابن جرير.

"سدى" در آنچه ذکر کرد از ابو مالک، از ابو صالح، از ابن عباس، از مرّه ،
از ابن مسعود، و از عده‌ای از اصحاب پیامبر صلی الله علیه وسلم نقل کرد:
برای آدم پسری به دنیا نمی‌آمد، مگر همراه او دختری باشد، او پسر این
بارداری را با دختری که از بارداری دیگر متولد می‌شد، ازدواج می‌داد و
دختر این بارداری را با پسری که از بارداری دیگر متولد می‌شد ازدواج
می‌داد، تا اینکه صاحب دو پسر به نام قابیل و هابیل شد. قابیل مزرعه‌دار
بود، و هابیل دام داشت و قابیل بزرگتر بود، و خواهری زیباتر از خواهر
هابیل داشت. هابیل درخواست ازدواج با خواهر قابیل را کرد، قابیل از او
نپذیرفت و گفت: خواهر من است و با من متولد شده و از خواهر تو زیباتر

است و من برای ازدواج با او سزاوارتر هستم. پدر او به قابیل دستور داد او را به ازدواج هابیل درآورد، ولی نپذیرفت، و آنها برای تعیین اولویت ازدواج با آن دختر، در راه خداوند قربانی کردند، و آدم علیه السلام پیش آنها نبود، او برای دیدن خانه خدا به مکه رفته بود، خداوند متعال گفت: آیا می‌دانی که من خانه‌ای روی زمین دارم؟ آدم گفت: خدایا نمی‌دانم. خداوند متعال فرمود: من در مکه خانه‌ای دارم، به آنجا برو. آدم به آسمان گفت: فرزندانم را به عنوان امانت حفظ کن؛ آسمان نپذیرفت. به زمین گفت: زمین نپذیرفت. به کوه‌ها گفت: کوه‌ها نپذیرفتند. به قابیل گفت: قابیل گفت: بله، می‌روی و باز می‌گردی و خانواده‌ات را همان‌طور که می‌خواهی می‌یابی. پس هنگامی که آدم رفت آنها قربانی کردند و قابیل احساس افتخار می‌کرد و گفت: من نسبت به او از تو سزاوارترم. او خواهر من است، و من از تو بزرگتر، و جانشین پدرم هستم. هنگامی که قربانی کردند، هابیل گوسفند نر چاقی قربانی کرد، و قابیل یک بغل گندم قربانی کرد، و در آن خوشه بزرگی یافت، پس آن را له کرد و آن را خورد. آتش پایین آمد و قربانی هابیل را خورد، و قربانی قابیل را ترک کرد. پس ناراحت شد و گفت: تو را می‌کشم تا با خواهرم ازدواج نکنی. و هابیل گفت: به راستی خداوند فقط از تقوا پیشگان قبول می‌کند. ابن جریر نیز همین را روایت کرده است.

وقال ابن أبي حاتم: حدثنا الحسن بن محمد بن الصباح، حدثنا حجاج، عن ابن جريج، أخبرني ابن خثيم قال: أقبلت مع سعيد بن جبیر فحدثني عن ابن عباس قال: نهى أن تنكح المرأة أختها توأمها، وأمر أن ينكحها غيره من إختها، وكان يولد له في كل بطن رجل وامرأة، فبينما هم كذلك ولد له امرأة وضيئة، وولد له أخرى قبيحة دميمة، فقال أخو الدميمة: أنكحني أختك وأنكحك

أختي. قال: لا أنا أحق بأختي فقربا قربانا، فتقبل من صاحب الكبش، ولم يتقبل من صاحب الزرع، فقتله. إسناد جيد» (٢).
(٢). المصدر (ابن كثير - تفسير ابن كثير): تفسير المائدة، الآية 27-31.

ابن ابی حاتم از حسن بن محمد بن صباح از حجاج، از ابن جریح نقل می‌کند که ابن‌خثیم مرا خبر داد و گفت: همراه سعید بن جبیر بودم که در مورد ابن عباس برایم گفت: زن از ازدواج با برادر دوقلویش نهی شد، و به ازدواج با برادر دیگرش امر شد، و در هر حمل برای او پسر و دختری به دنیا می‌آمد، پس هنگامی که آنها به این حالت بودند، دختر بسیار زیبایی برای او متولد شد، و بار دیگر صاحب دختری شد که زشت بود. پس برادر خواهر زشت گفت: خواهرت را به ازدواج من در بیاور و من خواهرم را به ازدواج تو درمی‌آورم. گفت: من برای ازدواج با آن سزاوارتر هستم. و آنها برای تعیین اولویت، در راه خداوند قربانی کردند. قربانی از صاحب قوچ پذیرفته شد و از صاحب مزرعه پذیرفته نشد، پس او را کشت. سند این حدیث بسیار صحیح است» (٢).

(٢). ابن کثیر- تفسیر ابن کثیر- تفسیر: سوره مائده، آیات ٢٧ تا ٣١.

سیّاتی بیان فساد هذه العقائد ومخالفتها للعلم وانحراف من يعتقدونها عن الحق، وبيان كيف وضعت الإنسان في مستوى دون بقية الحيوانات.

فساد بودن این عقاید و مخالف بودن آنها با علم و منحرف بودن معتقدان به آنها در قسمت‌های بعدی بیان خواهد شد، و بیان خواهد شد که چگونه این اندیشه‌ها انسان را در موضعی فروتر از سایر حیوانات قرار می‌دهد.